

فروتني و تواضع

<?xml encoding="UTF-8">

اشاره

ناگفته پیداست که تواضع و فروتني نقطه مقابل تکبر و فخرفروشي است و جدا سازي بحثهاي کامل اين دو از یکديگر مشکل يا غير ممکن است و لذا هم در آیات و روايات اسلامي و هم در کلمات بزرگان اخلاق اين دو به یکديگر آميخته شده است، نکوهش از يکي ملازم تمجيد و ستايش از ديگري است و ستايش از يکي همراه با نکوهش از ديگري مي باشد، درست مثل اينکه بحثهاي مربوط به ستايش و تمجيد از علم جداي از نکوهش از جهل نيست و نکوهش از جهل همراه ستايش علم است.

با اين حال مفهوم اين سخن آن نيست که ما بحثهاي مربوط به تواضع را نادیده گرفته و به آنچه در بحث زشتي تکبر و استکبار گفتيم بسنده کنيم. بخصوص اينکه نسبت بين تکبر و تواضع به اصطلاح نسبت ميان ضدین است نه وجود و عدم. هم تکبر یک صفت وجودي است و هم تواضع و هر دو در مقابل یکديگر قرار دارند، نه از قبيل وجود و عدم که سخن از يکي الزاما همراه با نفي ديگري باشد.

در روايات اسلامي نيز به اين معني اشاره شده است از جمله از علي(ع) مي خوانيم: "ضادوا الکبر بالتواضع؛ به وسيله تواضع با تکبر که ضد آن است مقابله کنيد". (1)

با اين اشاره به قرآن باز مي گرديم و آیات مربوط به مساله تواضع را گلچين کرده، مورد بررسي قرار مي دهيم(هر چند آياتي که به کنايه يا به ملازمه به آن اشاره مي کند بيش از اينها است).

1- يايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف ياتي الله بقوم يحبهم و يحبونه اذلة علي المؤمنين اعزة علي الكافرين... (سوره مائده، آيه 54)

2- و عباد الرحمن الذين يمشون علي الارض هونا و اذا خاطبهم الجهلون قالوا سلاما (سوره فرقان، آيه 63)

3- و اخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنين (سوره شعراء، آيه 215)

ترجمه

- 1- اي کسانی که ايمان آورده ايد! هر کس از شما، از آيين خود بازگردد(به خدا زياني نمي رساند؛) خداوند به زودي جمعيتي را مي آورد که آنها را دوست دارد و آنان(نيز) او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع، در برابر کافران سرسخت و نيرومندند.
- 2- بندگان(خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بي تکبر بر زمين راه مي روند؛ و هنگامي که جاهلان آنها را مخاطب سازند(و سخنان نابخردانه گويند)، به آنها سلام مي گویند(و با بي اعتنايي و بزرگواري مي گذرند).
- 3- (اي پيامبر) بال و پر خود را براي مؤمناني که از تو پيروي مي کنند بگستر(و نسبت به آنها تواضع و مهرباني کن).

در نخستین آیه مورد بحث سخن از گروهی از مؤمنان به میان آمده که مشمول فضل و عنایات الهی هستند هم خدا را دوست می‌دارند و هم محبوب پروردگارند.

یکی از اوصاف بارز آنها این است که در برابر مؤمنان متواضعند: (اذلة علي المؤمنين) و در برابر کافران نیرومند و قوی هستند (اعزة علي الكافرين).

"اذلة" جمع "ذلول" و "ذلیل" از ماده "ذل" (بر وزن حر) در اصل به معنی نرمی و ملایمت و تسلیم است در حالی که "اعزة" جمع "عزیز" از ماده "عزة" به معنی شدت است، حیوانات رام را "ذلول" می‌گویند چون ملایم و تسلیمند و "تذلیل" در آیه ذلت قطوفها تذلیلا اشاره به سهولت چیدن میوه‌های بهشتی است.

گاه ذلت در مواردی به کار می‌رود که معنی منفی دارد و آن در جایی است که از سوی غیر به انسان تحمیل می‌شود و گرنه در ماده این لغت مفهوم منفی ذاتا وجود ندارد (دقت کنید).

به هر حال آیه فوق دلیل روشنی بر اهمیت تواضع و عظمت مقام متواضعین است، تواضعی که از درون جان انسان برخیزد و برای احترام به مؤمنی از مؤمنان و بنده‌ای از بندگان خدا باشد.

در دومین آیه باز اشاره به اوصاف برجسته و فضائل اخلاقی گروهی از بندگان خاص خداست که در طی آیات سوره فرقان از آیه 63 تا آیه 74 دوازده فضیلت‌بزرگ برای آنها ذکر شده است و جالب اینکه نخستین آنها همان صفت تواضع است، این نشان می‌دهد همان گونه که "تکبر" خطرناک‌ترین رذائل است، تواضع مهمترین یا از مهمترین فضائل می‌باشد، می‌فرماید:

"بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند" (و عباد الرحمن الذين يمشون علي الارض هونا)

"هون" مصدر است و به معنی نرمی و آرامش و تواضع است و استعمال مصدر در معنی اسم فاعل در اینجا به خاطر تاکید است، یعنی آنها چنان آرام و متواضعند که گویی عین تواضع شده‌اند و به همین دلیل در ادامه آیه می‌فرماید: "و اذا خاطبهم الجهلون قالوا سلاما؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند)".

و در آیه بعد از آن سخن از تواضع آنها در برابر ذات پاک خداست می‌فرماید: "والذين يبیتون لرهبهم سجدا و قیما؛ آنها کسانی هستند که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند (و به بندگی و عبادت می‌پردازند)".

"راغب" در کتاب "مفردات" می‌گوید: "هون" دو معنی دارد یکی از آنها خضوع و نرمشی است که از درون جان انسان بجوشد که این شایسته ستایش است (سپس به آیه مورد بحث اشاره می‌کند) و در حدیث نبوی آمده است المؤمن هین لین. (2) دوم خضوع و تذلی است که از سوی دیگری بر انسان تحمیل شود و او را خوار کند.

ناگفته پیداست که منظور از الذين يمشون علي الارض هونا این نیست که فقط راه رفتن آنها متواضعانه است، بلکه منظور نفی هرگونه کبر و خودخواهی است که در تمام اعمال انسان و حتی در کیفیت راه رفتن که ساده‌ترین کار است آشکار می‌شود، زیرا ملکات اخلاقی همیشه خود را در لا به لای گفتار و حرکات انسان نشان می‌دهند تا آنجا که در بسیاری از مواقع از چگونگی راه رفتن انسان می‌توان به بسیاری از صفات اخلاقی او راه برد.

آری عباد الرحمن (بندگان خاص خدا) نخستین نشانشان همان تواضع است، تواضعی که در تمام ذرات وجودشان نفوذ کرده و حتی در راه رفتن آنها آشکار است و اگر می‌بینیم خداوند در آیه 37 سوره اسراء به پیامبرش دستور می‌دهد "و لاتمش في الارض مرحا؛ روی زمین با تکبر راه مرو" منظور فقط راه رفتن نیست بلکه هدف،

تواضع در همه کار است که نشانه بندگی و عبودیت خداست.

در سومین آیه روی سخن رابه پیامبر(ص) کرده، می‌فرماید: "بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند پایین بیاور و(تواضع و محبت کن)؛ و اخفض جناح لمن اتبعك من المؤمنين" "خفض" بر وزن "خشم" در اصل به معنی پایین آوردن است و "جناح" به معنی بال می‌باشد. بنابراین "و اخفض جناح" کنایه از تواضع آمیخته با محبت است، همان‌گونه که پرندگان هرگاه می‌خواهند به جوجه‌های خود اظهار محبت کنند بال و پر خود می‌گسترانند و آنها را زیر بال و پر می‌گیرند تا هم در برابر حوادث احتمالی مصون بمانند و هم از تشنه شدن و پراکندگی حفظ شوند، پیامبر اسلام(ص) نیز مامور بود بدین گونه مؤمنان را زیر بال و پر خود بگیرد!

این تعبیر بسیار ظریف و پر معنی نکات مختلفی را در عبارت کوتاهی جمع کرده است. جایی که پیامبر مامور به تواضع آمیخته با محبت در برابر مؤمنان باشد تکلیف افراد امت روشن است چرا که پیغمبر سرمشق و الگو و "اسوه" برای همه امت است. شبیه همین تعبیر در آیه 88 سوره حجر نیز آمده است آنجا که می‌فرماید: و اخفض جناح للمؤمنین که باز مخاطب در آن شخص پیامبر است و مامور می‌شود برای مؤمنان "خفض جناح" و تواضع آمیخته با محبت داشته باشد.

شبیه این تعبیر با اندک تفاوتی در مورد فرزندان در مقابل پدران و مادران در سوره "اسراء" آمده، آنجا که می‌فرماید: "و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة؛ بالهای خود را در برابر آن دو(پدر و مادر) از محبت و لطف فرود آر(و تواضعی آمیخته با احترام و محبت در برابر آنان داشته باش)". از مجموع آنچه در آیات فوق آمده به خوبی استفاده می‌شود که قرآن مجید نه تنها تکبر و استکبار را مورد مذمت قرار داده، بلکه نقطه مقابل آن یعنی تواضع و فروتنی را با تعبیرات گوناگون مورد تمجید قرار داده است.

تواضع و فروتنی در روایات اسلامی

در منابع شیعه و اهل سنت احادیث فراوانی در مورد تواضع به چشم می‌خورد که بعضی در باره اهمیت تواضع است و بعضی در باره علامت و آثار متواضعان و یا ثمره تواضع و حد و آداب آن می‌باشد. در اهمیت تواضع تعبیرات بسیار جالبی در روایات آمده :

1- در حدیثی از رسول خدا(ص) می‌خوانیم: روزی فرمود: "مالي لاري عليكم حلاوة العبادۃ؟! قالوا و ما حلاوة العبادۃ؟ قال التواضع!؛ چه می‌شود که شیرینی عبادت را در شما نمی‌بینم؟ عرض کردند: شیرینی عبادت چیست؟ فرمود: تواضع است!" (3)

ناگفته پیداست حقیقت عبادت نهایت خضوع در برابر پروردگار است. کسی که شیرینی خضوع و تواضع در برابر خدا را دریابد در برابر خلق خدا نیز متواضع است.

2- در حدیث دیگری از امیرمؤمنان(ع) آمده است: "عليك بالتواضع فانه من اعظم العبادۃ؛ بر تو باد تواضع که از برترین عبادات است". (4)

3- از امام حسن عسکری(ع) نقل شده است که فرمود: "التواضع نعمة لا يحسد عليها؛ تواضع نعمتی است که سبب حسادت دیگران نمی‌شود". (5)

معمولا هر نعمتی نصیب انسان می‌شود مزاحمت‌های حسودان افزوده می‌گردد و گاه این حسادت چنان فضایی

زندگی را تنگ می‌کند که زندگی بر صاحب نعمت مشکل می‌شود، ولی تواضع از این قاعده کلی مستثنی است، نعمتی است که حسادت حسودان را بر نمی‌انگیزد.

این بحث دامنه‌دار را با حدیث دیگری از نبی اکرم(ص) پایان می‌دهیم :

4- "یباهی الله تعالی الملائكة بخمسة: بالمجاهدين، والفقراء، والذین يتواضعون لله تعالی، والغنی الذی یعطی الفقراء و لا یمن علیهم، و رجل ینبکی فی الخلوة من خشية الله عز و جل؛ خداوند به پنج دسته از انسانها به فرشتگان مباحثات می‌کند: مجاهدان(راه خدا)، فقرا(و نیازمندیانی که دین خود را به دنیا نمی‌فروشند) و آنها که به خاطر خدا تواضع می‌کنند و ثروتمندانی که بی منت به مستمندان کمک می‌نمایند و کسی که در خلوت از خوف خدا گریه می‌کند!" (6)

در باره ثمرات و آثار مثبت تواضع نیز روایات فراوانی از معصومین به ما رسیده است که چند حدیث پر معنی را در ذیل می‌آوریم :

در حدیثی از امام امیرالمؤمنین(ع) می‌خوانیم: "ثمرة التواضع المحبة و ثمرة الکبر المسبة؛! میوه درخت تواضع محبت است و میوه(شوم) تکبر دشنام و ناسزاگویی مردم است!" (7)

در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است: "بخفض الجناح تنتظم الامور؛! با تواضع و محبت کارها نظم و سامان می‌یابد!" (8)

روشن است که نظم جامعه جز در سایه همکاری و همدلی حاصل نمی‌شود و همکاری و همدلی مردم در صورتی ممکن است که شخص مدیر نخواهد خود را بر آنها تحمیل کند و یا فخرفروشی کند و خود را برتر از دیگران قلمداد نماید، همیشه مدیرانی موفق هستند که در عین قاطعیت متواضع و پر محبت باشند.

در حدیث دیگری از رسول خدا(ص) می‌خوانیم: "التواضع لایزید العبد الا رفعة فتواضعوا یرفعکم الله؛! تواضع جز بزرگی بر انسان نمی‌افزاید پس تواضع کنید تا خداوند شما را بلند مقام سازد!" (9)

گاه چنین تصور می‌شود که تواضع انسان را کوچک می‌کند در حالی که این یک برداشت سطحی و نادرست است، همواره می‌بینیم افراد متواضع در جامعه مورد احترام و دارای عظمت و شخصیت هستند و تواضع بر منزلت آنها می‌افزاید.

از احادیث اسلامی استفاده می‌شود که تواضع شرط قبولی عبادات و طاعات است، از جمله در حدیثی از امام صادق(ع) آمده است: "التواضع اصل کل خیر نفیس و مرتبة رفیعة... و من تواضع لله شرفه الله علی کثیر من عبادہ... و لیس لله عز و جل عبادة یقبلها و یرضیها الا و بابها التواضع، و لایعرف ما فی معنی حقیقة التواضع الا المقربون المستقلین بوحدانیه، قال الله عز و جل و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما...؛ تواضع ریشه هر کار نیک و با ارزش است و مقام والایی است... و هر کس برای خدا تواضع کند خداوند او را بر بسیاری از بندگان شرافت می‌بخشد... و هیچ عبادتی برای خدا مورد رضا و قبول نخواهد بود مگر اینکه باب آن تواضع است و حقیقت تواضع را جز مقربانی که مستقل در وحدانیت خداوندند درک نمی‌کنند، خداوند عز و جل می‌فرماید: بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که در زمین با تواضع راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را(با سخنان نامناسب) خطاب کنند، به آنها سلام می‌گویند(و با بی اعتنایی می‌گذرند)." (10)

این سخن را با حدیثی که از حضرت مسیح(ع) نقل شده است پایان می‌دهیم. فرمود: "بالتواضع تعمر الحکمة لا بالتکبر، کذلک فی السهل ینبت الزرع لا فی الجبل؛! به وسیله تواضع، مزرعه علم و دانش آباد می‌شود نه با تکبر،

همان گونه که زراعت در زمین نرم و هموار می‌روید نه بر روی کوه!" (11)

کوتاه سخن اینکه : تواضع هم در زندگی علمی و فرهنگی انسان اثر می‌گذارد (چرا که افراد متکبر به خاطر تکبرشان از رسیدن به حق محجوبند) و هم در زندگی اجتماعی (چرا که افراد متواضع از محبوبیت فوق‌العاده‌ای در اجتماع بهره می‌گیرند و همه مردم برای آنها احترام خاصی قائلند) و هم در رابطه انسان با خدا مؤثر است چرا که روح عبادت، تواضع و کلید قبولی آن فروتنی است.

در مورد نشانه‌های تواضع نیز روایات جالبی در منابع اسلامی وارد شده است، در حدیثی از امام علی بن ابی طالب (ع) می‌خوانیم: "ثلاث هن راس التواضع: ان یبدء بالسلام من لقیه، و یرضی بالدون من شرف المجلس، و یکره الریا و السمعة؛ سه چیز است که سرآغاز تواضع است: نخست اینکه انسان هر کس را ببیند ابتدا به او سلام کند و در پایین مجلس بنشیند و تظاهر ریا و سمعه را ناخوش دارد." (12)

در بعضی از روایات نشانه‌های دیگری نیز بر آن افزوده شده است، از جمله: ترک "مراء" و "جدال" یعنی انسان به خاطر برتری‌جویی با دیگری بحث نکند و دیگر عدم علاقه به اینکه مردم او را بستانند. (13)

1- تعریف تواضع

"تواضع" از ماده "وضع" در اصل به معنی فرو نهادن است، این تعبیر در مورد زنان باردار که مولود خود را به دنیا می‌آورند به عنوان وضع حمل گفته می‌شود و در مورد خسارت و زیان کرد و کمبود تعبیر "وضیعة" به کار می‌رود و هنگامی که به عنوان یک صفت اخلاقی گفته می‌شود مفهومش این است که انسان خود را پایین‌تر از آنچه موقعیت اجتماعی اوست قرار دهد، به عکس تکبر که مفهومش برتری‌جویی و قرار دادن خویش برتر از موقعیت فردی و اجتماعی اوست.

بعضی از ارباب لغت "تواضع" را به معنی "تذلل" تفسیر کرده‌اند و منظور از تذلل در اینجا خضوع و فروتنی و تسلیم است.

مرحوم نراقی در "معراج السعادة" در تعریف تواضع می‌گوید: "تواضع عبارت است از شکسته نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتار چندی است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند." (14)

تعبیر به "فروتنی" در فارسی دقیقاً همین معنا را می‌رساند و این مساله از خلال گفتار و رفتار انسانها نمایان می‌شود.

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌خوانیم، سؤال کردند: "ما حد التواضع الذي اذا فعله العبد كان متواضعا؟ فقال: التواضع درجات منها ان يعرف المرء قدر نفسه فينزلها منزلتها بقلب سليم لايحب ان ياتي الي احد الا مثل ما يؤتي اليه، ان راي سيئة دراهها بالحسنة، كاظم الغيظ، عاف عن الناس، و الله يحب المحسنين؛ حد تواضع که اگر انسان آن را انجام دهد متواضع محسوب می‌شود چیست؟ فرمود: تواضع درجات و مراحل دارد: یکی از مراحل آن این است که انسان قدر و موقعیت نفس خویش را بداند و در همان جایگاه با قلب سلیم (و پذیرش درونی) جای دهد، دوست نداشته باشد کاری در باره کسی انجام دهد مگر همانند کارهایی که در باره او انجام می‌دهند (همان گونه که انتظار احترام از دیگران دارد باید دیگران را محترم بشمارد و هر کاری را از سوی دیگران دون شان خود می‌شمرد در باره دیگران دون شان بشمر.)"

هرگاه بدي از کسی ببیند آن را با نیکی پاسخ دهد، خشم خود را فروبرد، از گناهان مردم درگذرد و آنها را مورد عفو

قرار دهد، خداوند نیکوکاران را دوست دارد." (15)

آنچه در این روایت پرمحتوا آمده، در واقع نشانه‌های تواضع است که از طریق آن می‌توان به تعریف تواضع نیز آشنا شد.

در حدیث دیگری از امام باقر(ع) می‌خوانیم: "التواضع الرضا بالمجلس دون شرفه و ان تسلم علي من لقیت و ان تترك المراء و ان كنت محقا؛ تواضع آن است که به کمتر از جایگاه شایسته خود در مجلس قانع باشی و هرگاه کسی را ملاقات کردی در سلام پیشی بگیری و جر و بحث را رها کنی هر چند حق با تو باشد." (16)

حقیقت این است که تعریف تواضع از نشانه‌های آن جدا نیست؛ چرا که یکی از بهترین راه‌های تعریف یک موضوع، ذکر نشانه‌های گوناگون آن است (دقت کنید).

2- تواضع و کرامت انسان!

معمولا در این گونه مباحث بعضی راه افراط را در پیش می‌گیرند و بعضی راه تفریط، مثلا بعضی تصور می‌کنند حقیقت تواضع آن است که انسان خود را در برابر مردم خوار و بی‌مقدار کند و اعمالی انجام دهد که از نظر مردم بیفتد و نسبت به او سوء ظن پیدا کنند، آن گونه که در حالت بعضی از صوفیه نقل شده است که هنگامی که در یک منطقه به خوشنامی معروف می‌شدند مرتکب اعمال زشت و قبیحی می‌شدند تا از نظر بیفتند، مثلا به بی بند و باری در عبادات و خیانت در امانت مردم معروف شوند و مردم آنها را رها کنند و شاید این کار را نوعی تواضع و ریاضت نفس می‌پنداشتند.

اسلام اجازه نمی‌دهد کسی به نام تواضع، خود را تحقیر کند و در نظرها سبک و موهون سازد و کرامت انسانی خویش را پایمال کند، مهم این است که در عین تواضع، شخصیت اجتماعی انسان ضایع نشود و خوار و ذلیل و بی‌مقدار نگردد. اگر تواضع به صورت صحیح انجام شود نه تنها چنین اثری نخواهد داشت بلکه به عکس ارزش او در جامعه بالاتر می‌رود. به همین دلیل در روایات اسلامی از امیرمؤمنان علی(ع) آمده: "بالتواضع تكون الرفعة؛ تواضع انسان را بالا می‌برد!" (17)

مرحوم "فیض کاشانی" - رضوان الله علیه - تحت عنوان غاية الرياضة في خلق التواضع می‌گوید: این فضیلت اخلاقی مانند سایر صفات اخلاقی دارای طرف افراط و تفریط و حد وسط است، حد افراط "تکبر" و حد تفریط "پذیرش ذلت و پستی" و حد وسط "تواضع" است. آنچه صفت فضیلت محسوب می‌شود و قابل ستایش است همان کوچکی کردن بدون پذیرش پستی و ذلت است، سپس به ذکر مثالی در اینجا می‌پردازد. می‌گوید: کسی که سعی دارد بر اقران و امثال خود برتری جوید و آنها را پشت سر اندازد متکبر است و کسی که خود را بعد از آنها قرار می‌دهد متواضع است، ولی اگر پاره‌دوزی بر دانشمند بزرگی وارد شود او از جای خود برخیزد و او را به جای خود بنشانند و کفش او را بردارد و پیش پای او جفت کند و تواضعی در (حد یک عالم بزرگ) نسبت به او روا دارد، این تواضع نیست، نوعی تذلل محسوب می‌شود، این امر قابل ستایش نیست، چیزی شایسته ستایش است که در حد اعتدال باشد و حق هر کس را نسبت به او ادا کند، در برابر عالم به گونه‌ای و در برابر افراد دیگر به گونه دیگر.

(18)

- 1- تصنیف غررالحکم، شماره 5148، صفحه 249 و شرح غررالحکم، صفحه 232، شماره 5920.
- 2- کنزالعمال، حدیث 690.
- 3- تنبیہ الخواطر (مطابق نقل میزان الحکمه، جلد 4، حدیث 21825); محجة البيضاء، جلد 6، صفحه 222.
- 4- بحارالانوار، جلد 72، صفحه 119، حدیث 5.
- 5- تحف العقول، صفحه 363.
- 6- مکارم الاخلاق، صفحه 51.
- 7- غررالحکم، 4614 - 4613.
- 8- غررالحکم، 4302.
- 9- کنزالعمال، 5719.
- 10- بحارالانوار، جلد 72، صفحه 121.
- 11- همان مدرک، جلد 2، صفحه 62.
- 12- کنزالعمال، حدیث 8506.
- 13- اصول کافی، جلد 2، صفحه 122، حدیث 6.
- 14- معراج السعادة، صفحه 300.
- 15- کافی، جلد 2، صفحه 124.
- 16- بحارالانوار، جلد 75، صفحه 176.
- 17- فهرست موضوعي غرر، جلد 7، صفحه 405 (چاپ دانشگاه تهران).
- 18- المحجة البيضاء، جلد 6، صفحه 271 (با کمی تلخیص).

***** برگرفته از کتاب اخلاق در قرآن از آیت الله محمد ناصر مکارم شیرازی